

عاشقانه‌های ماندگار

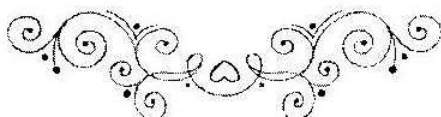
گزینش‌های از عاشقانه‌ترین اشعار
شاعران ایران زمین

تألیف و گردآوری

دکتر مهدی داودی



آگه‌رانت داودی



سرشناسه: داودی، مهدی، ۱۳۵۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: عاشقانه‌های ماندگار / مولف و گردآورنده مهدی داودی.
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات داودی، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۱۴۰ص: مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۹۰-۴-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: شعر فارسی -- مجموعه‌ها
 موضوع: Persian poetry -- Collections
 رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۵ع ۲/۵۱۸ PIR ۴۰۳۲
 رده بندی دیویی: ۸۱۴/۰۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۶۶۶۲۱



انتشارات داودی

عاشقانه‌های ماندگار

گنجینه‌ای از عاشقانه‌ترین اشعار شاعران ایران زمین

دکتر مهدی داودی

مصحح: سارا ابراهیمی

ویراستان: مرتضی داودی

مدیر تولید: حسن ساسانی؛ ناظر چاپ: مجتبی طلوعی جدی

صفحه‌آرایی: سعید سعیدی

نوبت چاپ: اول اسفند ۱۳۹۵؛ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه؛ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۵۹۰-۴-۶

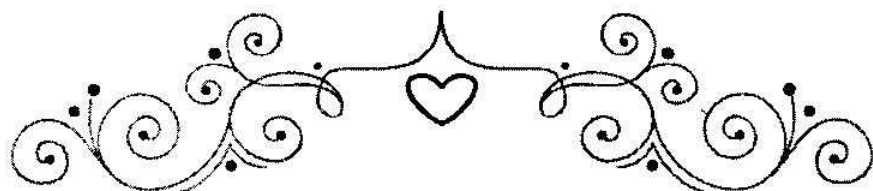
آدرس: تهران، فلکه اول دولت آباد-خ پروین اعنصامی مجتمع مسکونی ارکید

بلوک ۵۰ - طبقه ۸ - واحد ۱

۰۹۳۰۹۲۵۱۹۱۶

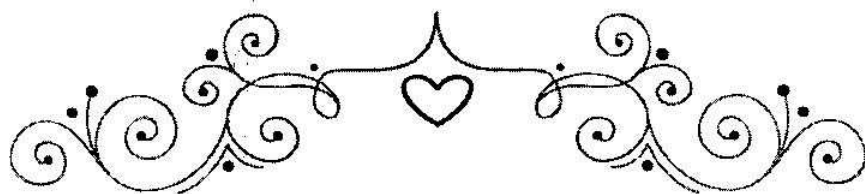
فهرست

۲۶	۱۱	دییاجه
	وصال	
	شیخ بهایی	
۲۸	۱۵	مهر و نیت
	بوسه	
	فروغی بسطامی	حکیم ابرقاسم فردوسی
۲۹	۱۶	به مژگان سیه
	تمنا	
	فروغی بسطامی	خواجه حافظ شیرازی
۳۰	۱۷	وصل
	صف مژگان	
	فروغی بسطامی	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۱	۱۸	بی همگان
	اخگر دل زنده ام	
	صائب تبریزی	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۱	۱۹	پوشیده چون جان
	ماه گرم تو	
	صائب تبریزی	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۲	۲۰	دوش چه خورده ای دلا
	معانی حسن	
	عطار نیشابوری	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۲	۲۱	رباعیات
	حدیث حسن	
	عطار نیشابوری	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۳	۲۳	عاشقی
	کوزه	
	حکیم خیام نیشابوری	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۴	۲۴	ای یوسف خوش نام ما
	بر من نظری کن	
	فخرالدین عراقی	مولانا جلال الدین محمد ایرانی
۳۴	۲۵	ساریان
	خوشا	
	فخرالدین عراقی	سعدی شیرازی

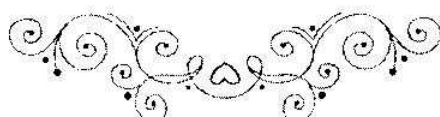


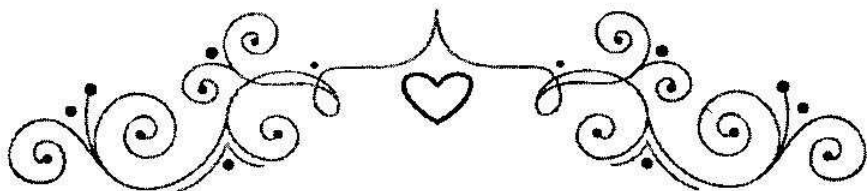
عاشقی	۳۵	محنت	۴۶
فخرالدین عراقی		هلالی جغتایی	
من مست می عشقم	۳۵	گوشه‌ی چشم	۴۷
فخرالدین عراقی		عماد خراسانی	
دو چشمک	۳۷	دوستات دارم	۴۷
رو، پوهه داری زلف سیاه داری	۳۷	عماد خراسانی	
کزده رف	۳۷	تورا من چشم دراهم	۴۸
سنایی سرنو		علی اسفندیاری (نیمایوشیج)	
خال	۳۸	همسفر	۴۹
خاقانی شروانی		صادق سرمد	
عشقت چو در آمد	۳۸	خلوت عشق	۵۰
خاقانی شروانی		عبدالعلی برومند	
زورآزمایی عاشقانه	۴۰	ماقت	۵۰
وحشی بافقی		عبدالعلی برومند	
گله‌ی یار دل آزار	۴۰	چراغ‌های سالن سینما	۵۱
وحشی بافقی		امیرحسین احمدی	
باز آئی	۴۴	کبریت	۵۲
هلالی جغتایی		احمدرضا احمدی	
بی تو هر روز مرا	۴۴	چه خوب بود	۵۳
هلالی جغتایی		بیژن جلالی	
دگران	۴۵	عشق ما	۵۴
هلالی جغتایی		بیژن جلالی	
عاشقان	۴۵	انتظار	۵۵
هلالی جغتایی		امیرحوشنگ ابتهاج (ا.ا. سایه)	
نظر گفتم به چشم	۴۶	چنگ شکسته	۵۵
هلالی جغتایی		امیرحوشنگ ابتهاج (ا.ا. سایه)	





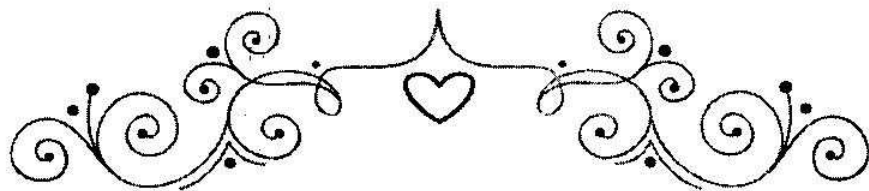
۶۲	نازنین ام	۵۶	زبان نگاه
	حسین منزوی		امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)
۶۳	سیب	۵۶	نیاز
	حمید مصدق		امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)
۶۴	کو کو... کو	۵۷	شیوه‌ی ناز
	حمیدرضا عبدالملکیان		پرویز ناتل خانلری
۶۵	خیال انگیز	۵۸	گل و باب
	محمدحسن معیری (رهی)		پروین اعتصامی
۶۶	شد خزان	۵۸	بی روی دوست
	محمدحسن معیری (رهی)		پروین اعتصامی
۶۷	باور	۵۹	اسارت
	سهراب سپهری		حسین پناهی
۶۷	به باغ همسفران	۵۹	بهشت
	سهراب سپهری		حسین پناهی
۶۸	چیره‌ی مختصر	۵۹	عقرب عاشق
	سهراب سپهری		حسین پناهی
۷۰	گزیده‌ی ازاد معرّف	۶۰	مگس
	سهراب سپهری		حسین پناهی
۷۳	به من گفתי که در دنیا کن دوست	۶۰	نوشتن عشق
	سیاوش کسرائی		حسین پناهی
۷۴	آغاز کن مرا	۶۱	بازوان پیچکی ام
	سید علی صالحی		حسین منزوی
۷۶	شعر خورشید و شب	۶۱	شکوفه‌های هلو
	سیمین بهبهانی		حسین منزوی
۷۶	دوستات می دارم	۶۲	مطلع زیباترین غزل
	سیمین بهبهانی		حسین منزوی



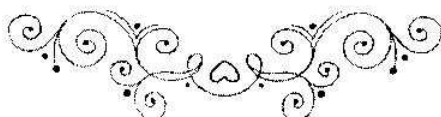


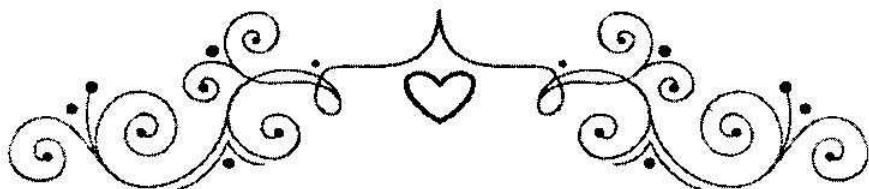
۸۹	۷۷	حالا چرا	دیوانگی
		محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)	سیمین بهبهانی
۸۹	۷۷	غوغا می کنی	گر بوسه می خواهی
		محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)	سیمین بهبهانی
۹۰	۷۸	من خود آن سیزدهم	گفتا که می بوسم تورا
		محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)	سیمین بهبهانی
۹۱	۷۹	باد ما را با خود خواهد برد	مرا هیچ دوست می داری
		فروغ فرخزاد	سیمین بهبهانی
۹۲	۸۰	چون سنگ ها	یک بوسه من است از لب سوزان تو ما را
		فروغ فرخزاد	سیمین بهبهانی
۹۳	۸۱	شراب بوسه	می خواهمت
		فروغ فرخزاد	احمد شاملو (۱. بامداد)
۹۳	۸۲	نگاه کن که غم درون دیده ام	عاشقانه
		فروغ فرخزاد	احمد شاملو (۱. بامداد)
۹۵	۸۱	به سوی تو	کیستی ...
		فریدون مشیری	احمد شاملو (۱. بامداد)
۹۵	۸۳	چه ناله	مرا تو بی سببی نیستی
		فریدون توالی	احمد شاملو (۱. بامداد)
۹۶	۸۵	اشتیاق	آرام باش
		فریدون مشیری	محمد شمس لنگرودی
۹۷	۸۵	بانوی رویاهای من	ترانه ی عاشقانه
		فریدون مشیری	محمد شمس لنگرودی
۹۷	۸۶	درد بی درمان	دیر کرده ای
		فریدون مشیری	محمد شمس لنگرودی
۹۸	۸۷	زیبا	من اگر نباشم
		فریدون مشیری	محمد شمس لنگرودی





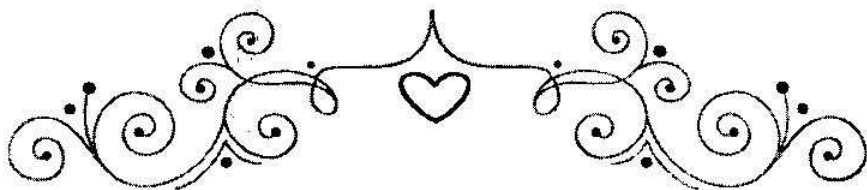
۱۱۱	مرغ سحر	۹۸	عاشقم
	محمدتقی بهار (ملک الشعراء بهار)		فریدون مشیری
۱۱۳	دریچه	۹۹	کوچه
	مهدی اخوان ثالث (م . امید)		فریدون مشیری
۱۱۳	به دیدارم بیا هر شب	۱۰۲	شانه
	مهدی اخوان ثالث (م . امید)		محمد حقیقی
۱۱۵	مرگ قو	۱۰۳	به کج چمن شتابان؟
	مهدی حمیدی شیرازی		محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۱۶	پیکرتراش	۱۰۴	حاجت
	نادر نادرپور		محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۱۷	عنکبوت	۱۰۵	وصال
	نادر نادرپور		محمد رضا شفیعی کدکنی
۱۱۸	آبی	۱۰۶	رسیدیم
	مهدی داودی		محمد زهری
۱۱۸	رفتی	۱۰۶	شب از شبها
	مهدی داودی		محمد زهری
۱۱۹	بند	۱۰۷	آهو
	مهدی داودی		محمد علی سپانلو
۱۱۹	مهمان	۱۰۸	تو از تبار بهاری
	مهدی داودی		محمود مشرف آزاد تهرانی
۱۲۰	چه فایده	۱۰۹	کجایی؟
	فرزانه مختاری		عباس کی منش (مشفق کاشانی)
۱۲۱	شهریور است ...	۱۱۰	آمد و آتش به جانم کرد و رفت
	فرزانه مختاری		رحیم معینی کرمانشاهی
۱۲۲	خیال	۱۱۱	شمعیم
	ام البنین جعفری پردستی (ا . بانو)		محمدتقی بهار (ملک الشعراء بهار)





۱۳۶	رفیق تا پای مرگ	۱۲۳	اعتکاف
	مهناز قانعی		ام البنین جعفری پردستی (۱ . بانو)
۱۳۷	سروش از تو	۱۲۴	و من ...
	مهناز قانعی		منصوره معینی
		۱۲۵	تب
			منصره معینی
		۱۲۶	سری رنو
			خوا رستم خان
		۱۲۶	کاش ...
			خوا رستم خانی
		۱۲۸	روزی ...
			ژیلادرگاهی
		۱۲۸	ای یار
			ژیلادرگاهی
		۱۲۰	اوج
			الینا علینی
		۱۲۹	مروارید
			الینا علینی
		۱۳۲	اقلیم عشق
			افسانه نیک پی
		۱۳۳	دلباخته
			افسانه نیک پی
		۱۳۴	شهر باران
			لیلی پارساپور
		۱۳۵	طنین
			لیلی پارساپور





پایانه

«حافظ صبور باش که در راه عاشقی
آن کس که جان نداد به جانان نمی‌رسد»

عشق، جوهره‌ای نادایی است که موضوع آن هم زیبایی است.. همچنین احساسی ژرف و کشنده می‌برومند است که می‌تواند در حوزه‌هایی غیرقابل تصور ظهور کند.

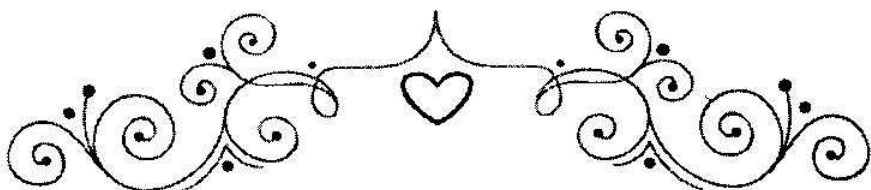
هنگامی که از عشق سخن می‌گیریم؛ بی‌درنگ، بحث حقیقی یا مجازی بودن آن مطرح می‌شود؛ گذرا بودن یا ماندگاری آن به میان می‌آید و در فرجام، مسأله‌ی جسمانی یا معنوی - روحانی بودن عشق هم مطرح می‌شود. مولانا می‌فرماید:

عاشقی گریزین سرو و گرزان سراسست عاقبت ما را به آن شه رهبر است
بنابر این حتماً عشق مجازی هم تجربه‌ای است که راه تیر بهی عشق حقیقی را هموار می‌کند؛ ولی شرط عمل این است که عاشق، ادب عاشقی بداند. ادب عاشقی هم چیزی نیست جز فتای خودپرستی در اکسیر عشق. گاهی عشق پر از شهت و شیرینی و آرامش آفرین نیست.

عشق از اول سرکش و خونی بُود تا گریزد هرگز بی‌خونی بود
مولانا نبرد عاشقی را کار هر کسی نمی‌داند و می‌گوید در کوره‌ی عشق بسیاری فقط می‌سوزند و جمعی از میانه‌ی راه می‌گریزند. چون در این راه عشق جز معشوق، همه چیز ترا می‌گیرد و می‌سوزاند تا تو را بیازماید و این جاست که عارف هفت شهر عشق، عطار هم می‌فرماید:

جملگی در حکم سه پروانه‌ایم در جهان عاشقان افسانه‌ایم
اولی خود را به شمع نزدیک کرد گفت آری من یافتم معنای عشق
دومی نزدیک شعله بال زد گفت حال من سوختم در سوز عشق





سومی خود داخل آتش فکند آری این بود معنای عشق پس عشق معنوی از خام بودن به پخته شدن و نهایت به سوختن و فنا در وجود معبود، دگر دینی دارد و چه بسا که عشق زمینی هم مرحله‌ای از این گذار است به شرط آن که توقف نکنیم و هر زیبایی ما را به خالق زیبایی برساند. در گذشته پنداشته می‌شد که واژه‌ی عشق ریشه‌ی عربی دارد. ولی عربی و عبری هر دو از خانواده‌ی زبان‌های سامی‌اند و واژه‌های ریشه‌دار سامی همواره در هر دو زبان عربی و عبری با معنی‌های همانند برگرفته می‌شوند. و شگفت است که واژه «عشق» همتای عبری ندارد و واژه‌ای که در عبری برای عشق به کار می‌رود *ahav* است که با عربی *ḥabba* خویشاوندی دارد. ولی دیدگاه جدید پژوهشگران این است که واژه «عشق» از *iška* «اوستایی به معنی «خواست، خواهش، گرایش» ریشه می‌گیرد که آن نیز با واژه اوستایی «*iš*» به معنی «خواستن، گرایش، آرزو کردن، جست‌وجو کردن» پیوند دارد. واژه‌ی «عشق» در پارسی میانه به *išt* به معنی «خواهش، گرایش، دارایی و توان‌گری، خواسته و داراک» باز مانده است. در عربی امروز نیز واژه‌ی عشق کاربرد بسیاری ندارد و بیش‌تر *ḥabba* و برگرفته‌های آن به کار می‌روند مانند: «حب، حبيب، حبيبه، محبوب و دیگرها».

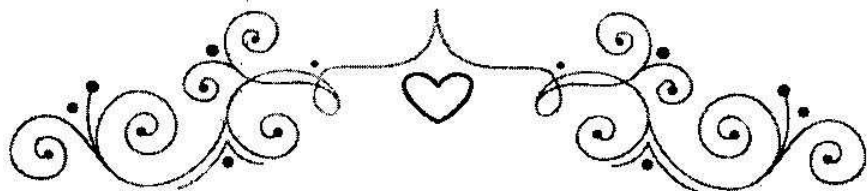
حکیم فردوسی بزرگ، پدر زبان پارسی نیر که بی‌واسطاری از زبان پارسی از به کار بردن واژه‌های بیگانه آگاهانه و کوشمندانه خود را می‌کند؛ واژه عشق را به آسانی و با انگیزه به کار می‌برد تا نشان دهد این واژه یک واژه‌ی بومی است و با آن که آزادی سرایش به او توانایی می‌دهد که واژه‌ی دیگری را جایگزین عشق کند؛ واژه «حُب» را به کار نمی‌برد.

به عشق هوا بر زمین شد گوا به نزدیک خورشید فرمانروا (فردوسی)

از گفته خواجه‌ی اهل راز، لسان‌الغیب حافظ شیرازی، عشق از ازل با آدمی همراه است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد اما هدفی که نگارنده از گردآوری اشعار در این مجموعه داشته است؛ بازگویی عشق و بیان معنای اصیل و پویای آن در این عصر سرگستگی است؛ یکی





از رسالت‌هایی که ادبیات در جامعه‌ی ما به همراه داشته است تلطیف و صیقلی مردم و دعوت ایشان به خویشتنداری و خودشناسی است که اینجانب در راستای مفهوم «ادبیات درمانی» آن را معرفی می‌کنم. به راستی، درمان بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی در دل ادبیات نهفته است. شاعران و نویسندگان ما از دوران کهن تا امروز با بصیرت تمام، اکسیر درمان بخش خود را در آثارشان برای ما به یادگار گذاشته‌اند تا راه درست را گم نکنیم و روح و روانمان را در راستای خوبی و زیبایی صیقل دهیم.

پس چو آهن گه تیره هیכלی صیقلی کن صیقلی کن صیقلی
حال اگر این صیقل جسم خاکی آدمی انجام پذیرد تیرگی‌های نفس و
کشش‌های آن رسته می‌برد و نور خداوند و برکات آن در انسان جاری و ساری
می‌شود به قول مولانا:

تادلت آینه گزید بر رصه	اندرو هر سو ملیحی سیمبر
آهن از چه تیره و بی‌نور بود	صیقلی آن تیرگی از وی زدود
صیقلی دید آهن و خوش کرد	تا نه صورته‌اتوان دید اندرو
گرتن خاکی غلیظ و تیره است	صیقلش کن زانک صیقل گیره است
تا درو اشکال غیبی رو دهد	عکس حوری و ملک در وی جهد

(مولانا)

امید که به یاری خداوند بزرگ با انتشار این مجله، به همراه یک لوح فشرده با صدای اینجانب بتوانم قدم‌های موثرتر دیگری در خیرین ادبیات درمانی بردارم.

دکتر داودی
اسفند ۱۳۹۵

رایانامه: m_davoudi79@yahoo.com

کانال تلگرام ادبیات درمانی (دکتر داودی): @ostaddavoudi

صفحه اینستاگرام: dr.mdavoudi

